



۲۰۱۸/۰۲/۱۰

ولی احمد نوری

## بیست و نه سال از شهادت بزرگمرد افغان پوهاند بهاء الدین مجروح سپری می شود روانش شاد و یادش گرامی باد

یادداشت نگارنده:

این مقاله از من نیست. از بخش های مختلف چندین وبسایت اینترنتی گرفته شده است از قبیل سایت های: (کابل نات، دانشنامه آریانا، ویکیپدیا، "وریا پوهنغونډ" و سایت سخی فرهاد) که باید نویسندگان آنها افغان های با فرهنگ، وطن دوست و فرزندان صدیق این مرز و بوم که افغانستان است، باشند. این کمترین فقط شکلیات آنها را آرایش نموده و از اصطلاحات بیگانه (فارسی ایران) منزه اش ساخته ام. و خوشبختم عرض کنم که سر از فردا که روز شهادت آن بزرگمرد است رساله زیبایی را زیر عنوان (تحلیلی بر "اژدهای خودی" کتاب ماندگار پوهاند سید بهاء الدین مجروح) به قلم توانای دانشمند نخبه افغانستان جناب استاد محمد اسحاق نگارگر، در چندین بخش در همین وبسایت عزیز آریانا افغانستان آنلاین به یاد بود از آن شهید راه آزادی و راه حقیقت جویی به نشر برسانم. ولی احمد نوری



پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح یکی از بزرگ استادان پوهنتون کابل و یک تن از دانشمندان نخبه افغانستان و عاشقان وطن، درست بیست و نه سال پیش از امروز، در روز ۲۲ برج دلو ۱۳۶۷ هـ ش مطابق به یازدهم فروری سال ۱۹۸۹ میلادی به طور نامردانه و وحشیانه از طرف انسان نماهای دون صفت و دور از شرف بشری به احتمال اغلب وابستگان حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار، به قتل رسید که شما جسد سوراخ سوراخ آن شهید راه آزادی را در صفحه اخیر این نوشته ملاحظه می کنید و حتماً بر قاتلان او لعنت و نفرین می فرستید.

پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح یکی از دانشمندان بی بدیل افغان، یکی از استادان نخبه پوهنتون کابل و یکی از شخصیت های مبارز و صاحب اندیشه که آثار گرانبهای علمی او از جمله کتاب پرمحتوای "اژدهای خودی" تا حال

در سه زبان مهم جهان ترجمه شده و واقعاً یکی از آثار ماندگار فلسفی و ادبی معاصر افغانستان در زبان دری محسوب می شود.

پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح فرزند استاد سید شمس الدین مجروح در روز ۲۳ برج دلو ۱۳۰۷ هـ ش مصادف با ۱۲ فروری ۱۹۲۹م در قریه "شینورک" ولایت کنر چشم به جهان گشود و به تاریخ ۱۱ فروری ۱۹۸۹ میلادی درست یک روز قبل از سالگرد ۶۰ سالگی تولدش بدست های نا پاک دشمنان وطن در شهر پشاور به طور مظلومانه جام شهادت نوشید، و در خاک بیگانه یعنی پشاور پاکستان به خاک سپرده شد. بعداً تابوت وی به تاریخ دهم برج سرطان ۱۳۸۱ هـ ش مطابق اول جولای ۲۰۰۲ میلادی از پشاور پاکستان به قریه شینکورک کنر افغانستان جایی که به دنیا آمده بود انتقال داده شد و در خاک مقدس افغانستان دفن گردید. روح و روان این شخصیت نامدار علمی کشور را شاد و یادش را گرمی و نام مبارکش را در صفحات تاریخ افغانستان عزیز جاودان می خواهیم.

او در خانواده دانشمند و بالا مرتبتی زاده شد. از نخستین سال های فراگیری، نوشت و خوان را نزد معلم خصوصی با خواندن کتاب هایی چون گلستان، بوستان، اسکندرنامه و بهار دانش آغاز کرد. پدر بهاء الدین به هنگام تولد فرزند بسیار جوان بود و بنا بر موقعیت شغلی در کابل به سر می برد. برای او میسر نبود که فرزندش را تحت تربیت پدری بگیرد. اما محیط زنانه پیرامون فرزند با ادبیات، بیگانه نبود. شاهنامه خوانی های یکی از عمه های بهاء الدین برای مادر کلانش در وی کشش عمیقی به دنیای اندیشه و ادبیات برانگیخت. سر انجام بهاء الدین به پایتخت نزد پدر رفت و تحصیلاتش را از صنف چهارم در لیسه عالی استقلال آغاز کرد.

در سال ۱۳۲۸ شمسی (۱۹۵۰م) دوره لیسه استقلال را به پایان رساند و در سال ۱۳۳۰ شمسی (۱۹۵۲م) از طرف دولت وقت برای ادامه تحصیلات به فرانسه اعزام شد. بهاء الدین نخست در پوهنتون سوربون (Sorbonne) پاریس و سپس در شهر مون پلیه (Montpellier) درس خواند و افزون بر زبان فرانسه زبان های انگلیسی و آلمانی را نیز فرا گرفت. چند هفته ای نیز به لندن رفت و با نویسنده بلند آوازه افغانستان عبدالرحمن پژواک که در آن سال ها اتاشه مطبوعاتی سفارت افغانستان در لندن بود، آشنا شد. در سال ۱۳۳۶ ش (۱۹۵۸م) از دبیرتمنت فلسفه و روانشناسی پوهنتون مون پلیه دیپلوم لیسانس خود را بدست آورد و تحصیلاتش را تا دوره فوق لیسانس در همان پوهنتون ادامه داد.

مجروح پس از آنکه به میهنش باز گشت در پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل به تدریس پرداخت. در سال های تدریس نخست مسؤولیت های اداری و تنظیم درس ها و بعد ها معاونیت آن پوهنخی را به عهده گرفت. در این سال ها با بسیاری از فرهنگیان و فرهیختگان و نویسندگان کشور از جمله استاد خلیل الله خلیلی که از دوستان پدرش بود، آشنا شد. خلیلی در دیوان خود از بهاء الدین یاد کرده است.

به پیشنهاد حکومت وقت، پوهاند مجروح مدتی تدریس را رها کرد و به حیث والی کاپیسا و سپس والی ولایت پروان عز تقرر حاصل نمود. بدین گونه دامنه شناخت وی از زندگی مردمان کوهستانی وسیعتر شد. سپس به حیث رئیس کلتوری افغانستان در میونشن آلمان مقرر شد و با خانواده اش به اروپا رفت. به هنگام انجام وظیفه از فرصت پیش آمده بهره جست و تحصیلاتش را در دوره دکترا دنبال کرد.

در سال ۱۳۴۶ هـ ش (۱۹۶۷ م) در رشته فلسفه دیپلوم دکتورا گرفت. موضوع رساله دکتورای وی "تربیت خود" بود. بهاء الدین پس از بازگشت به کشور بار دیگر به تدریس در فاکولته ادبیات پرداخت. چندی نگذشت که در سال ۱۳۴۷ به ریاست پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل انتخاب شد و مداوم تر از گذشته به تدریس روی آورد. همچنین بر ای مدت بیشتر از سه سال ریاست انجمن تاریخ افغانستان را به او سپردند.

در سال ۱۳۴۹ ش (۱۹۷۰) در حادثه ترافیکی پایش شکست و دوره یک ساله معالجه و تداوی وی در داخل و خارج از کشور او را که دیگر حتی از خواندن دلتنگ شده بود به نوشتن کتابی بر انگیخت.

سر انجام با گرد آوری یادداشت های پراکنده اش در زمینه روانشناسی خاطرات کودکی و نوجوانی اندیشه های زاده بردباری در برابر رنجوری و درد جسمانی و پیکار با اژدهای نفس، کتابی شد که "اژدهای خودی" نام گرفت.

با نوشتن این کتاب مجروح باز به دنیای نویسندگی بازگشت. نه تنها دشواری های دوره تداوی اش را به وادی فراموشی سپرد بلکه با جست و جو و تحقیق بیشتر خود را مصروف ساخت. از این رو چندان دور از ذهن نبود که وی امیدوارانه از خوانندگان کتابش بخواهد تا اژدهایی را که به باور وی انسان ها در درون شان می پروراند، بشناسند و راه رهایی از افسون زهر آلودش را یابند. دفترهای یکم و دوم "اژدهای خودی" نخستین بار به اهتمام غلام نبی کاوه از طرف انجمن تاریخ و ادب افغانستان منتشر شد. و بار ثانی به مناسبت بزرگداشت از نهمین سالگرد تولد حکیم سنایی، این دو دفتر در قالب شعر آزاد پشتو و به همت فاکولته ادبیات پوهنتون کابل دوباره منتشر شد. با به قدرت رسیدن مارکسیست ها در افغانستان دست نویس سومین دفتر "اژدهای خودی" از بین رفت، اما دفتر چهارم آن به نام "ترانه های آوارگی" بعداً منتشر شد. آندره ولتیر (André VELTER) شاعر و نویسنده فرانسوی بخش هایی از این کتاب را به زبان فرانسوی ترجمه نمود و مقدمه ای بر آن نوشت که در یکی از مجله های فرانسوی عصر جدید منتشر شده است.

پوهاند مجروح در بین سال های ۱۹۸۰ هـ ش تا سال ۱۹۸۹ هـ ش در پشاور دفتر اطلاعات افغانستان را بنیاد کرد و به انتشار حقیقت افغان به انگلیسی پرداخت. از دیگر آثار بهاء الدین مجروح جدا از مقاله های فراوانش در باره ادبیات و سیاست می توان به ترجمه البیرونی اشاره کرد. این مجموعه که در بر دارنده مقاله هایی در باره ابوریحان بیرونی و به مناسبت هزارمین سالگرد تولدی وی منتشر شده است به همت سید بهاء الدین مجروح و میر آصف هروی و تنی چند از دیگر مترجمان به زبان دری ترجمه شده و از طرف انجمن تاریخ و ادب افغانستان در کابل منتشر شده است.

افسوس و بسیار افسوس که این فیلسوف مشهور افغانستان و این فرهنگی عالی مرتبت افغانستان در سیر زمانه تحمل شده نتوانست و تنگ نظران بی مایه که نمی توانستند الفاظ و ادبیات پر محتوای فلسفی و سیاسی این شهینشاه فلسفه

افغانستان را درک نمایند تیغ بر کشیدند و جهان فلسفه، جامعه شناسی و ادبیات و ژورنالیزم مدرن افغانستان را بی سر و تاج کردند. مجروح در پشاور پاکستان از طرف یک عده مجاهد بی فرهنگ افغانستان کشته شد.



مرگ این ستاره درخشان فلسفه را ضایعه جبران ناپذیر برای جوامع علمی و تحصیلات عالی افغانستان می داند. خداوند او را بیامرزد و جایش خلد برین باد.

